

مروج الذهب

و
معادن الجواهر

أبو الحسن علي بن حسين مسعودي

جلد اول

ترجمة

أبو القاسم پاينده

مروج الذهب
(جلد اول)

www.KetabFarsi.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.KetabFarsi.com

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی

مروج الذهب

(جلد اول)

ترجمہ

ابوالقاسم پایندہ



تهران ۱۳۷۸

مسعودی، علی بن حسین، - ۳۲۵ ق.
[مروج الذهب و معادن الجواهر. (فارسی)]
مروج الذهب / تالیف ابوالحسن علی بن حسین مسعودی؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده. -
تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

ج ۲
بها: ۲۵۰۰۰ ریال (دوره دو جلدی).
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار).
عنوان روی جلد: مروج الذهب و معادن الجواهر.
چاپ قبلی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی با فروست.
ج. ۱، ۲ (چاپ ششم: ۱۳۷۸)

ISBN 964-445-149-X (V.1)

ISBN 964-445-150-3 (V.2)

ISBN 964-445-151-1 (set)

۱. کشورهای اسلامی - تاریخ. ۲. ایران - تاریخ. ۳. اسلام - تاریخ. ۴. تاریخ جهان - متون قدیمی
تا قرن ۱۴. الف. پاینده، ابوالقاسم، ۱۲۸۷-۱۳۶۳. مترجم. ب. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
ج. عنوان. د. عنوان: مروج الذهب و معادن الجواهر. فارسی.

۴۱ م ۴۵/۶۳/ DS ۲۵
۹۰۹/۰۹۷۶۷۱

۱۳۷۴

۶۷۸۶ - ۷۴ م

کتابخانه ملی ایران

مروج الذهب (جلد یکم)

نویسنده: ابوالحسن علی بن حسین مسعودی

مترجم: ابوالقاسم پاینده

چاپ اول: ۱۳۴۷

چاپ ششم: ۱۳۷۸؛ تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

آماده سازی و چاپ: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

حق چاپ محفوظ است.



شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

- اداره فروش و فروشگاه مرکزی: خیابان الریقا، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۴، کد پستی ۱۵۱۷۸؛ صندوق پستی ۳۶۶-۱۵۱۷۵؛ تلفن: ۷۱-۸۷۷۴۵۶۹؛ فاکس: ۸۷۷۴۵۷۲
- چاپخانه: خیابان آزادی، نبش زنجان جنوبی، محوطه سازمان میراث فرهنگی کشور؛ تلفن: ۶۰۱۳۰۲۱-۶۰۱۴۲۸۳
- فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبروی دراصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۴۰۰۷۸۶
- فروشگاه دو: خیابان انقلاب، نبش خیابان ۱۴ آذر؛ تلفن: ۶۴۹۸۴۶۷
- فروشگاه سه: خیابان جمهوری، نبش آقا شیخ هادی؛ تلفن: ۶۷۰۴۳۰۰
- فروشگاه چهار: خیابان الریقا، کوچه گلغام، پلاک ۱؛ تلفن: ۲۰۵۰۳۲۶

بسمه تعالی

پیشگفتار ناشر

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مورخ و جغرافیدان بزرگ اسلامی، در اواخر قرن سوم هجری، احتمالاً حدود سال ۲۸۰ ق، در بغداد متولد شد. خانواده اش اصلاً اهل کوفه بودند. نسبش به عبدالله بن مسعود، صحابی بزرگوار پیامبر (ص) می‌رسد. ابن حزم (متوفی ۴۵۶ ق) در کتاب جمهرة انساب العرب سلسله نسب او را اینگونه نقل می‌کند: علی بن حسین بن علی بن عبدالله بن زید بن عتبة بن عبدالله بن عبدالرحمن بن عبدالله بن مسعود. از زندگی مسعودی و سوانح احوال وی اطلاع اندکی در دست است. شور و شوق دانش‌اندوزی او را از اوان جوانی به سیر و سفر در سرزمینهای اسلامی کشاند. عراق و ایران و مصر و سوریه و فلسطین و ارمنستان و هند و سیلان و عمان و سواحل شرقی افریقا را تا زنگبار و احتمالاً ماداگاسکار زیر پا گذاشت. حتی از چین و مالزی هم دیدار کرد. ظاهراً جز اندلس (اسپانیا) و غرب افریقا، تمام سرزمینهای اسلامی را سیاحت کرده است. سرانجام در ۳۳۶ ق در مصر مقیم شد و در جمادی الثانی ۳۴۵ ق (سپتامبر ۹۵۶ میلادی) در شهر فسطاط مصر درگذشت. مسعودی خود در کتابهایش بارها به این سیر و گشت اشاره کرده است. در مروج الذهب می‌نویسد: «اگر در این باب [یعنی تألیف کتابهایش] تقصیری

رفته، یا غفلتی شده، پوزش می‌خواهم که خاطر ما به سفر و بادیه‌پیمایی به دریا و خشکی مشغول بود تا بدایع ملل را به‌مشاهده و اختصاصات اقالیم را به‌معاینه توانیم دانست. چنانکه دیار سند و زنگ و صنف و چین و زابج را در نوردیدیم و شرق و غرب را پیمودیم. گاهی به اقصای خراسان و زمانی در قلب ارمنستان و آذربایجان و اران و ییلاقان بودیم. روزگاری به عراق و زمانی به‌شام بودیم که سیر من در آفاق چون سیر خورشید در مراحل اشراق بود.» در کتاب التنبیه و الاشراف نیز از استمرار غربت و دوری از وطن و سفرهای پیاپی سخن می‌گوید و از قول ابوتمام - شاعر عرب - وطن خود را پشت شتران می‌خواند.

مسعودی با بسیاری از دانشمندان و علمای عصر خویش ملاقات کرده و گفتگو نموده و از آنان روایت شنیده و علم آموخته است که از آن جمله‌اند: محمد بن جریر طبری، مورخ و محدث بزرگ؛ ابوبکر صولی، مورخ و ادیب؛ ابوبکر وکیع، مورخ و نحوی و شاعر؛ ابوالحسن دمشقی، ادیب و شاعر و دوست ابن معتز خلیفه شاعر پیشه عباسی؛ ابن درید، نحوی و شاعر؛ جمعی، فقیه و مورخ و شاعر؛ ابوبکر انباری، محدث؛ ابواسحاق زجاج، لغوی؛ منقری، مورخ؛ سنان بن ثابت بن قره، فیلسوف و دانشمند. علاوه بر این بزرگان، وی با حسن بن موسی نوبختی، متکلم شیعی؛ ابوعلی جبائی و ابوالقاسم بلخی، متکلمان معتزلی؛ ابوالعباس ناشی، متکلم معتزلی و شاعر و نحوی و نیز ابوالحسن اشعری، متکلم مشهور سنی و بنیانگذار مکتب کلامی اشعری دوستی و مصاحبت داشته‌است. یکبار نیز درباره حدوث عالم با محمد بن زکریای رازی، پزشک و فیلسوف ایرانی، گفتگو کرده است.

مسعودی بیگمان شیعی مذهب بوده است. محققان معاصر عرب او را معتزلی شافعی می‌دانند. درباره شافعی بودن مسعودی، ابن عماد (متوفی ۱۰۹۰ق) در شذرات الذهب، به تصریح می‌گوید که مسعودی شافعی جز مسعودی مورخ صاحب مروج الذهب است و شخص دیگری است. ظاهراً شبهه معتزلی بودن مسعودی نیز از آنجاست که بسیاری از اصول کلام معتزله با اصول عقاید شیعه مشترک است و

معتزلیان در نکات بسیاری با شیعه هم‌سخن‌اند. علمای رجال شیعه از نجاشی (متوفی ۴۵۰ق) تا زمان ما در کتب رجال خود مسعودی را شیعه دانسته‌اند. مهمترین دلیل شیعه بودن مسعودی دو کتاب موجود او - مروج الذهب والتنبیه والاشراف - است که عقاید او را آشکار می‌کند: به دنبال نام ائمه، علیه السلام می‌آورد و در هر باب فصلی جداگانه درباره زندگی و وفات ائمه (ع) باز می‌کند و از قیامهای شیعی با همدلی سخن می‌گوید. نهایت آنکه باید توجه داشت این دو اثر، کتابهای تاریخی هستند نه کلامی و کار مورخ جز کار متکلم است. خود مسعودی هم در مروج الذهب می‌گوید: «هر که بر این کتاب بنگرد بداند که در ضمن آن مذهبی را یاری ندادم و از گفته‌ای طرفداری نکردم.» البته مسعودی چند کتاب درباره امامیه نیز تألیف کرده که امروزه در دست نیست و چند و چون آن بر ما پوشیده است. برخی از محققان اروپایی مسعودی را شیعه اسماعیلی می‌دانند. دلیل آنان سفرهای دور و دراز مسعودی است که بی‌شبهت به سفرهای دعاة اسماعیلی نیست و نیز اقامت ممتد او در اواخر عمر در مصر که فاطمیان اسماعیلی مذهب آنجا را فتح کردند و مقر خود ساختند. ولی فتح مصر به دست فاطمیان بعد از مرگ مسعودی بوده است. در زمان حیات مسعودی مقر فاطمیان در مغرب بود که ظاهراً مسعودی به آنجا سفر نکرده است و این البته با اسماعیلی مذهب بودن او منافات دارد. مسعودی نویسنده‌ای پرکار و پر اثر بوده است. خود او در مروج الذهب و التنبیه والاشراف نام سی و چهار اثرش را آورده است که با مروج والتنبیه سی و شش اثر می‌شود که در این میان بیست و سه اثر پیش از مروج (سال تألیف ۳۳۲) و شش اثر میان مروج والتنبیه (سال تألیف ۳۴۵) و پنج اثر احتمالاً میان مروج والتنبیه تألیف شده است. در اینجا به اختصار به ذکر این آثار می‌پردازیم؛ لازم به تذکر است که جز مروج الذهب والتنبیه والاشراف، تمام آثار دیگر مسعودی از میان رفته و هیچ نشانی امروزه از آنها در دست نیست.

۱. کتاب اخبار الزمان و من اباده الحدثان من الامم الماضية والاجيال الخالية والممالك الدائرة. این کتاب که در سی جلد تألیف شده ظاهراً مفصلترین اثر تاریخی

مسعودی بوده است. اخبار الزمان در واقع دائرة المعارف تاریخ جهان بوده که در آن نه تنها تاریخ سیاسی بلکه کلیه معارف بشری به تفصیل ذکر شده است. متأسفانه از این کتاب امروزه هیچ اثری در دست نیست و آنچه عبدالله صاوی به نام کتاب اخبار الزمان چاپ کرده (قاهره، مطبعة الحنفی، ۱۹۳۸ میلادی) محققاً از مسعودی نیست.

۲. کتاب الاوسط. دومین اثر مهم تاریخی مسعودی است، کوتاهتر از اخبار الزمان که به ترتیب سنوی تدوین شده است. از این کتاب نیز امروزه هیچ نشانی در دست نیست.

۳. کتاب مروج الذهب ومعادن الجوهر فی تحف الاشراف من الملوك واهل الداریات. سومین اثر تاریخی مسعودی. درباره این کتاب بعداً سخن خواهیم گفت.

۴. کتاب فنون المعارف وماجری فی الدهور السوائف. چهارمین اثر تاریخی مسعودی که ظاهراً بیشتر به تاریخ یونان و روم و شمال افریقا پرداخته است.

۵. کتاب ذخائر العلوم وما كان فی سائف الدهور. پنجمین اثر تاریخی مسعودی، ظاهراً مفصلتر از التنبیه بوده و تاریخ ایران و ملوك الطوائف در آنها به تفصیل بیشتری آمده بوده است.

۶. کتاب الاستذکار لماجری فی سائف الاعصار. ششمین اثر تاریخی مسعودی، مفصلتر از دو کتاب قبلی. التنبیه بر مبنای آن تألیف شده است.

۷. کتاب التنبیه والاشراف. آخرین اثر تاریخی مسعودی، درباره آن بعداً سخن خواهیم گفت.

۸. کتاب المقالات فی اصول الدیانات. درباره آراء و عقاید فرق اسلامی و غیر اسلامی، از جمله شیعه، معتزله، خوارج، مارونیان مسیحی و خرمیان. ظاهراً کتاب مهم و معتبری بوده و نویسندگان ملل و فضل به کرات به آن اشاره کرده اند.

۹. کتاب القضايا والتجارب. از جالب توجهترین کتابهای مسعودی بوده که نویسنده در آن به شرح رویدادهای سفرهایش پرداخته است.

۱۰. کتاب سر الحیات. ظاهراً درباره نفس و قوای آن بوده و نویسنده در

- آن عقیده تثلیث مسیحیان و غیبت امام قائم (عج) را آورده است.
۱۱. رسالة البيان في أسماء الأئمة الطيبة من الشيعة. درباره زندگی ائمه اثنی عشر (ع).
 ۱۲. کتاب الزلف. درباره نفس و قوای آن و نیز شرایط فرمانروا در ایران و روم.
 ۱۳. کتاب المبادئ والتراکيب. احتمالاً درباره جهان‌شناسی بوده است.
 ۱۴. کتاب الانتصار. در رد خوارج.
 ۱۵. کتاب نظم الجواهر في تدبير الممالك والعساكر.
 ۱۶. کتاب طب النفوس. درباره تأثیر خنده و مزاح و نیز اشتیاق نفس به موطن اصلی.
 ۱۷. کتاب نظم الأدلة في اصول الملة. درباره فقه و اصول فقه.
 ۱۸. کتاب الصفوة في الإمامة. درباره اصول و مبادئ امامت، مسعودی در این کتاب به ایمان ایطالب نیز اشاره کرده است.
 ۱۹. کتاب الاستبصار في الإمامة. همانند کتاب قبلی، درباره رد نظر خوارج درباره حکمیت و نیز مسأله نص و اختیار در جانشینی پیامبر (ص).
 ۲۰. کتاب الدعوات الشیعة. ظاهراً درباره آراء اعراب جاهلیت و نیز مسأله تناسخ بوده است.
 ۲۱. کتاب حدائق الاذهان في اخبار اهل (یا آل) بیت النبی و تفرقههم في البلدان. درباره تاریخ علویان، ظاهراً از زمره کتب مناقب بوده است.
 ۲۲. کتاب الواجب في الفروض الوازم. درباره فقه که ظاهراً بیشتر درباره متعه و مسح الخفین که مورد نزاع شیعه و سنی بوده است.
 ۲۳. کتاب وصل المجالس بجوامع الاخبار و مخطط (یا مخطط) الآثار. درباره اخبار گوناگون تاریخی، ظاهراً بیشتر درباره خلفای اندلس بوده است.
 ۲۴. کتاب مقاتل الفرسان العجم. ظاهراً در مقابل کتاب فرسان العرب ابو عبیده معمره بن مثنی نوشته شده و از اسواران ایرانی سخن به میان آورده است.

۴۵. کتاب تغلب الدول و تفریر الاراء والملل. دقیقاً موضوع آن روشن نیست، ظاهراً بیشتر درباره اغالبه و فاطمیان بوده.
۴۶. کتاب المسائل والعلل فی المذاهب والملل. درباره مباحث فقهی و کلامی میان مسلمانان و غیر مسلمانان. مسعودی در این کتاب بحثی را که بایکی از مسیحیان تکریت درباره تثلیث داشته آورده است.
۴۷. کتاب خزائن الدین و سر العالمین. درباره کلام و عقاید فرق، ظاهراً بیشتر درباره قرمطیان، مانویان و مزدکیان بوده است.
۴۸. کتاب نظم الاعلام فی اصول الاحکام. درباره فقه مذاهب مختلف.
۴۹. کتاب الابانه عن اصول الديانة. درباره اختلاف امامیه و معتزله و نیز آراء مزدکیان، مانویان، دیصانیان و خرمیان.
۳۰. کتاب انهی و الکمال. بخشی از آن درباره خنده و مزاح بوده.
۳۱. کتاب الرؤس السبعية. درباره مسائل مختلف کلامی و فلسفی، سیاسی و غیره.
۳۲. کتاب الاسترجاء فی الکلام. ظاهراً بخشی از آن در رد عقائد ثنویه بوده است.
۳۳. کتاب مظاهر الاخبار و طرائف الآثار فی اخبار آل النبی. درباره مناقب حضرت علی (ع) و علویان.
۳۴. کتاب الاخبار المسعودية. ظاهراً بیشتر درباره تاریخ اندلس و اعراب قبل از اسلام بوده.
۳۵. کتاب الزاهی؟ ظاهراً در رد خوارج بوده.
۳۶. کتاب راحت الارواح. درباره پادشاهان و مرگ آنها که در اخبار الزمان نیامده بوده است.
- علاوه بر این سی و شش اثر، ابن الندیم، یاقوت و بروکلمان پنج اثر دیگر از مسعودی را نام برده اند:
۱. کتاب التاريخ فی اخبار الامم من العرب والعجم. احتمالاً همان اخبار الزمان

بوده است.

۴. کتاب الخوارج. ظاهراً باید همان کتاب الاتنصار باشد.

۳. کتاب الرسائل.

۴. کتاب فی اثبات الوصیة لعلی بن ابیطالب. نه خود مسعودی و نه هیچ‌یک از

نویسندگان قدیم از این کتاب نام برده‌اند. بروکلیمان و سزگین نسخ خطی نسبتاً جدید آنرا ذکر کرده‌اند. شارل پلا، متخصص آثار مسعودی، که مقاله مفصلی درباره امامی بودن مسعودی نوشته نیز این اثر را مشکوک می‌داند. مطالبی که در آن آمده هم از نظر زبان و سبک بیان و هم از نظر جزئیات و تفصیل وقایع با مروج الذهب و التنبيه والاشراف فرق دارد. این کتاب چاپ شده و به فارسی هم ترجمه شده است.

۵. فی احوال الامامة. این اثر نیز منسوب به مسعودی است.

۶. کتاب المسالك والممالك. تنها ابن ابی‌اصیبه از این اثر نام برده و روشن

نیست که ابن ابی‌اصیبه اشتباه کرده و یا مسعودی از آوردن نام آن در فهرست آثارش غفلت کرده است!

از بررسی فهرست آثار مسعودی که ذکر آن گذشت برمی‌آید که حوزه علاقه وی علم کلام و تاریخ بوده است. تقریباً تمام آثار کلامی او قبل از سال ۳۳۲ و در دوره اول زندگیش نوشته شده است. وی ظاهراً نخست شیفته علم کلام بوده و دوستدار جدل و مناقشه. بیقراری او که در سفرهای دور و درازش جلوه گر است، شاید نشانی از بی‌آرامی درونی انسانی است که در جستجوی آرامش روحی به هر سوی ره می‌سپرد، می‌پرسد و می‌جوید تا شاید پاسخ خود را بیابد. سرانجام دور از وطن، پیرانه‌سر، در مصر به آرامشی که سالها در جستجوی آن بوده است می‌رسد و تسلی روح بیقرار خود را نه در کلام، بلکه در تاریخ و مطالعه تاریخ می‌یابد. گویی شط‌عظیم رویدادها تمامی جدالها و جدلهای جزئی را فرومی‌شوید و در پرتو کلیت زندگی انسانها در سیر قرون با هزاران فرازونشیش، اختلاف آراء روزمره رنگ می‌بازد. امروزه از آثار کلامی مسعودی، و از مسعودی متکلم، هیچ نشانی

در دست نیست. اینک مسعودی را فقط به عنوان مورخ، یکی از بزرگترین مورخان اسلامی، می شناسیم و اینهمه مدیون دو کتاب گرانقدر او - مروج الذهب والتنبیه الاشراف است. ابن خلدون او را پیشوای مورخان - امام المورخین - و فن کریمر - محقق آلمانی - وی را هرودوت عرب نامیده اند.

مسعودی مروج الذهب را در سال ۳۳۲ ق تألیف کرد و در سال ۳۳۶ ق در آن تجدید نظر نمود. مروج الذهب در ۱۳۲ باب تدوین شده و به دو بخش قبل و بعد از اسلام تقسیم گشته است. بخش نخست از خلقت جهان و توصیف زمین و ذکر سرزمینها و دریاها و رودها و کوهها آغاز می شود و تاریخ انبیاء و اخبار ملتها را از یهود و مسیحی و هندی و ایرانی و یونانی و رومی و عرب باز می گوید و بخش دوم از ولادت پیامبر اسلام (ص) آغاز می گردد و تاریخ بعثت و هجرت و خلفای راشدین و اموی و عباسی را تا سال ۳۳۶ بیان می کند. شیوایی بیان و قدرت توصیف به این اثر جایگاهی بی نظیر در میان کتابهای تاریخی بخشیده است.

کتاب التنبیه والاشراف آخرین اثر مسعودی و اوج کار اوست. این اثر را نویسندگان اروپائی، «آواز قو» می گویند و نویسنده آن مسعودی نامیده اند، آخرین و نیز زیباترین و کوتاهترین آوازی که می گویند قو - این پرندۀ پاکسپید - قبل از مرگش سر می دهد و با اتمام آن زندگی را بدرود می گوید. مسعودی نیز در همان سال تألیف این اثر - سال ۳۴۵ ق - در می گذرد.

بهترین و در عین حال فروتنانه ترین توصیف و ارزیابی را مسعودی خود درباره آثارش بیان کرده است: «آنچه را که در این کتاب هست به سالهای دراز با کوشش ورنج بسیار و سفرهای مکرر و گردش در ولایتهای شرق و غرب و بسیاری ممالک غیر مسلمان فراهم آورده ایم. پس هر که این کتاب ما را بخواند بدیده محبت در آن نگرد و بزرگی کند و خطاهایی را که از تغییر ناسخ و تحریف نویسنده در آن آمده اصلاح نماید، درباره من نسبت علم و حرمت ادب و لوازم درایت را رعایت کند که کار من در نظم و تألیف این کتاب چون کسی بوده که گوهرهای پراکنده گونه گون یافته و آن را به رشته کشیده و جویندگان را گردنبندی گرانها

فراهم آورده است... اگر در مطالب این کتاب خطایی شده عذر می‌خواهیم که پیوسته در سفر و حرکت بوده‌ایم و از خطای انسانی و ناتوانی بشر برکنار نبوده‌ایم و از وصول به کمال و امانده‌ایم. اگر بنا بود هر کس که همه علوم را نداند کتاب تألیف نکند هیچکس کتابی تألیف نمی‌کرد، زیرا خدای عزوجل می‌فرماید که بالای هر داننده دانائی هست.»

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

www.KetabFarsi.com

فهرست مطالب و مندرجات

- ۱ - باب یادآوری غرض از تألیف این کتاب. ۱
- ۲ - باب دوم - ذکر بابهایی که در این کتاب هست. ۱۰
- ۳ - باب سوم - ذکر آغاز و کار خلقت و پیدایش مخلوق. ۱۹
- ۴ - ذکر قصه ابراهیم علیه السلام و پیمبران و ملوک بنی اسرائیل و غیر بنی اسرائیل که پس از دوران وی بودند. ۳۷
- ۵ - ذکر پادشاهی اربعم بن سلیمان بن داود علیهما السلام و ملوک بنی اسرائیل که پس از او بودند و شمه‌ای از اخبار پیمبران. ۵۱
- ۶ - ذکر اهل فترت که مابین مسیح و محمد صلی الله علیه و سلم بودند. ۵۷
- ۷ - ذکر شمه‌ای از اخبار هند و عقاید هندوان و آغاز ممالک و ملوک آن دیار. ۶۹
- ۸ - ذکر زمین و دریا و رودها و کوهها و هفت اقلیم و ستارگان وابسته به آن و ترتیب افلاک و مطالب دیگر. ۸۳
- ۹ - ذکر اخبار در باره جابجا شدن دریا و شمه‌ای از خیر رودهای بزرگ. ۹۲
- ۱۰ - ذکر شمه‌ای از اخبار دریای حبشی و آنچه در باره مساحت این دریا و وسعت خلیجهای آن گفته‌اند. ۱۰۴
- ۱۱ - ذکر اختلاف کسان در باره مد و جزر و خلاصه آنچه در این باب گفته‌اند. ۱۱۰
- ۱۲ - ذکر دریای روم و شرح آنچه در باره طول و عرض و اول و آخر آن گفته‌اند. ۱۱۵
- ۱۳ - ذکر دریای نیطس و دریای مایطس و خلیج قسطنطنیه. ۱۱۸
- ۱۴ - ذکر دریای باب و ابواب و خزر و گرگان و مطالبی در باره ترتیب دریاها. ۱۱۹
- ۱۵ - ذکر ملوک چین و ترک و پراکندگی فرزندان عامور و اخبار چین و مطالب دیگر که مربوط باین باب است. ۱۲۹
- ۱۶ - ذکر شمه‌ای از اخبار دریاها و عجایب اقوام و امم و مراتب شاهان که در جزایر

- ۱۴۵ واطراف آن هست و اخبار اندلس و منابع بوی خوش و مایه و اقسام آن و مطالب دیگر.
- ۱۷۳- ۱۷- ذکر جبل قبیخ و اخبار طوایف الان و سریر و خزر و قبایل نسرک و برغز و دیگران و اخبار باب و ابواب و ملوک و اقوام اطراف آن.
- ۲۰۳- ۱۸- ذکر ملوک سریانی و شمه‌ای از اخبارشان.
- ۲۰۹- ۱۹- ذکر ملوک موصل و نینوی که آنوریاوند و شمه‌ای از اخبار و سرگذشت ایشان.
- ۲۱۱- ۲۰- ذکر ملوک بابل که ملوک نبطی‌اند و دیگران که معروف بکلدانی‌اند.
- ۲۱۵- ۲۱- ذکر ملوک طبقه اول ایران و شمه‌ای از اخبار و سرگذشت ایشان.
- ۲۲۸- ۲۲- ذکر ملوک الطوایف که مابین ایرانیان طبقه اول و طبقه دوم بوده‌اند.
- ۲۳۲- ۲۳- ذکر نسب ایرانیان و آنچه کسان در این باب گفته‌اند.
- ۲۳۸- ۲۴- ذکر شاهان ساسانی که ایرانیان طبقه دومند و اخبارشان.
- ۲۷۹- ۲۵- ذکر ملوک یونان و شمه‌ای از اخبارشان و آنچه کسان دربارهٔ مبدأ نسبشان گفته‌اند.
- ۲۸۷- ۲۶- ذکر مطالبی از جنگهای اسکندر در سرزمین هند.
- ۲۹۵- ۲۷- ذکر ملوک یونان پس از اسکندر.
- ۳۰۱- ۲۸- ذکر ملوک روم و آنچه کسان در بارهٔ نسبه‌ها و شمار ملوک و سالهای شاهیشان گفته‌اند.
- ۳۰۹- ۲۹- ذکر ملوک مسیحی روم که ملوک قسطنطنیه‌اند و شمه‌ای از اخبارشان.
- ۳۱۹- ۳۰- ذکر ملوک روم پس از ظهور اسلام.
- ۳۳۰- ۳۱- ذکر مصر و اخبار آن و نیل و عجایب آن و ذکر ملوک مصر و دیگر مطالب مربوط باین باب.
- ۳۵۹- ۳۲- ذکر اخبار اسکندریه و بنا و ملوک و عجایب آن و مطالب دیگر مربوط به این باب.
- ۳۶۸- ۳۳- ذکر سیاهان و نسبشان و اقوام و انواعشان و دیار مختلفشان و اخبار ملوکشان.
- ۳۹۳- ۳۴- ذکر سقلاییان و مسکنها و اخبار ملوکشان و قبایل گونه‌گونشان.
- ۳۹۵- ۳۵- ذکر فرنگان و جلیقیان و ملوکشان.
- ۳۹۹- ۳۶- ذکر نوکبرد و ملوکشان.
- ۴۰۱- ۳۷- ذکر قوم عاد و ملوکشان.
- ۴۰۴- ۳۸- ذکر نمود و ملوکشان و صالح پیمبرشان.
- ۳۹- ذکر مکه و اخبار آن و بنای خانه و کسانی که از جرهم و غیر جرهم بر آن

- ۴۰۸ تسلط یافتند و مطالب مربوط باین باب.
- ۴۲۳ - ۴۰ ذکر شمه‌ای از اخبار و وصف زمین و شهرها و دلبستگی کسان بوطن خویش.
- ۴۱ - ۴۱ ذکر اختلاف مردم در اینکه چرا یمن را عراق و عراق را شام و شام را حجاز و حجاز را حجاز گفتند.
- ۴۳۱
- ۴۳۳ - ۴۲ ذکر مردم یمن و نسبهایشان و آنچه کسان در این باب گفته‌اند.
- ۴۳۷ - ۴۳ ذکر ملوک یمن و سالهای پادشاهی‌شان.
- ۴۵۱ - ۴۴ ذکر ملوک حیره از بنی نصر و غیره.
- ۴۶۶ - ۴۵ ذکر ملوک یمنی نژاد شام از غسان و غیره.
- ۴۶ - ۴۶ ذکر صحرا نشینان عرب و اقوام دیگر و اینکه چرا صحرا نشین شده‌اند و شمه‌ای از اخبار عرب و مطالب دیگر مربوط باین باب.
- ۴۷۱
- ۴۷ - ۴۷ ذکر دیانتها و عقاید عرب بدوران جاهلیت و پراکنده شدنشان در نواحی مختلف و خبر اصحاب فیل و عبدالمطلب و مطالب دیگر مربوط به این باب.
- ۴۸۵
- ۴۸ - ۴۸ ذکر آنچه عربان در باره نفوس وهام و صفر گفته‌اند.
- ۵۰۸
- ۴۹ - ۴۹ ذکر گفتار عربان درباره غول و ظهور غول و آنچه مربوط باین باب است.
- ۵۱۰
- ۵۰ - ۵۰ ذکر گفتار عرب درباره هاتف و جن.
- ۵۱۴
- ۵۱ - ۵۱ ذکر معتقدات عرب در باره قیافه و فال و سانس و بارح و غیره.
- ۵۱۹
- ۵۲ - ۵۲ ذکر کهنات و آنچه در باره آن گفته‌اند و آنچه باین باب مربوط است در خصوص خواب دیدن و تعریف نفس ناطقه.
- ۵۲۵
- ۵۳ - ۵۳ ذکر شمه‌ای از اخبار کاهنان و سیل عرم و پراکندگی قوم ازد در ولایات.
- ۵۳۳
- ۵۴ - ۵۴ ذکر سالها و ماههای عرب و عجم و موارد اتفاق و اختلاف آن.
- ۵۴۶
- ۵۵ - ۵۵ ذکر ماههای قبطیان و سریانیان و اختلاف نام آن و شمه‌ای از تاریخهای مختلف.
- ۵۴۷
- ۵۶ - ۵۶ ذکر ماههای سریانی و مطابقت آن با ماههای عربی و شمار ایام سال و معرفت تفسیرات جوی.
- ۵۴۹
- ۵۷ - ۵۷ ذکر ماههای ایرانیان.
- ۵۵۴
- ۵۸ - ۵۸ ذکر روزهای ایرانیان.
- ۵۵۵
- ۵۹ - ۵۹ ذکر سال و ماه عرب و نام روزها و شبهایشان.
- ۵۵۶
- ۶۰ - ۶۰ ذکر گفتار عرب درباره شبهای ماه قمری و غیره.
- ۵۶۱
- ۶۱ - ۶۱ ذکر تأثیر آفتاب و ماه در اینجهان و شمه‌ای از آنچه در این زمینه گفته‌اند

- و چیزهای دیگر که مربوط باین باب است. ۵۶۴
- ۶۲- ذکر چهارربع جهان و چهارطبع و اختصاصات هر يك از ربع‌ها از شرق و غرب و شمال و جنوب و هواها و مسائل دیگر از تأثیر ستارگان و مطالبی که مربوط باین باب است. ۵۷۰
- ۶۳- ذکر خانه‌های معروف و معبدهای بزرگ و آتشکده‌ها و بتخانه‌ها و ذکر ستارگان و دیگر عجایب عالم: ۵۸۷
- ۶۴- ذکر خانه‌های معتبر یونانیان. ۵۹۳
- ۶۵- ذکر خانه‌های معتبر رومیان قدیم. ۵۹۵
- ۶۶- ذکر خانه‌های معتبر سقلاییان. ۵۹۶
- ۶۷- ذکر خانه‌های محترم و معبدهای معتبر صابیان و مطالب دیگر مربوط بهمین باب. ۵۹۸
- ۶۸- ذکر اخبار آتشکده‌ها و غیره. ۶۰۳
- ۶۹- ذکر مختصر تاریخ از آغاز عالم تا مولد پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم و آنچه بدین باب مربوط است. ۶۱۶
- ۷۰- ذکر مولد و نسب پیغمبر صلی الله علیه و سلم و مطالب دیگر مربوط باین باب. ۶۲۳
- ۷۱- ذکر مبعث او صلی الله علیه و سلم و حوادثی که تا هجرت بود. ۶۳۱
- ۷۲- ذکر هجرت وی صلی الله علیه و سلم و حوادثی که در ایام او تا هنگام وفاتش بود. ۶۳۴
- ۷۳- ذکر کارها و احوالی که از مولد تا وفات وی صلی الله علیه و سلم بود. ۶۴۱
- ۷۴- ذکر سخنانی که او علیه الصلاة والسلام گفت و پیش از آن کسی نگفته بود. ۶۴۸
- ۷۵- باب ذکر خلافت ابوبکر صدیق رضی الله تعالی عنه. ۶۵۴
- ۷۶- ذکر نسب و شمه‌ای از اخبار و سرگذشت او. ۶۵۵
- ۷۷- ذکر خلافت عمر بن خطاب رضی الله عنه. ۶۶۱
- ۷۸- ذکر نسب و شمه‌ای از اخبار و سرگذشت او. ۶۶۲
- ۷۹- ذکر خلافت عثمان بن عفان رضی الله تعالی عنه. ۶۸۸
- ۸۰- ذکر نسب و شمه‌ای از اخبار و سرگذشت او. ۶۸۹
- ۸۱- ذکر خلافت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب کرم الله وجهه. ۷۰۶
- ۸۲- ذکر نسب و شمه‌ای از اخبار و سرگذشت او. ۷۰۷
- ۸۳- ذکر اخبار جنگ جمل و آغاز آن و زد و خوردها که بود و دیگر مطالب. ۷۱۴
- ۸۴- ذکر مختصری از آنچه در صفین مابین اهل عراق و اهل شام رخ داد. ۷۳۲
- ۸۵- ذکر حکمین و آغاز حکمیت. ۷۵۰

۸۶- ذکر جنگهای او با اهل نهر روان و...

۸۷- ذکر مقتل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب رضی الله عنه

۸۸- ذکر شمه‌ای از سخنان و اخبار وزهدوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لحمده الله اهل الحمد و مستوجب الثناء والمجد و صلى الله على سيدنا محمد خاتم النبيين
وعلى آله الطاهرين وسلم تسليما الى يوم الدين

باب یادآوری فرض از تألیف این کتاب

اما بعد، ما کتاب اخبار الزمان را تألیف کردیم و در آنجا از کیفیت زمین و شهرها و شکفتیهای آن و دریاها و عمق آن و کوهها و رودها و معادن جالب آن و اقسام مصبها و اخبار بندرها و جزایر دریاها و دریاچهها و اخبار بناهای مهم و جاهای متبرک و ذکر آغاز خلق و اصل نژاد و اختلاف وطنها و آنچه رود بوده و بمرور ایام و گذشت دوراتها دریا شده و آنچه دریا بوده و رود شده و آنچه خشکی بوده و دریا شده و علت و سبب فلکی و طبیعی آن سخن آوردیم، و هم از اختلاف اقالیم بسبب خاصیت ستارگان و تأثیر کوهها و از وسعت ناحیهها و منطقهها و تفاوت تاریخ قدیم و جدید و اختلاف کسان از هندوان و اقسام ملحدان در آغاز تاریخ و گفتار اهل شرایع و سخنها که در کتب منزل اهل دیانتها هست، و از پی آن از اخبار شاهان پیشینه و ملل سلف و قرون قدیم طوایف فنا شده که نژادها و طبقات و دینهای مختلف داشتهاند از شاهان و فرعونان قدیم و خسروان و یونانیان و سخنان حکمت آمیزشان که در جهان بجاست و گفتار فیلسوفان و اخبار ملوک و سرگذشت نژادها و سرگذشت پیمبران و رسولان و پرهیزکاران که ضمن آن هست نکتهها گفتیم تا آنجا که خداوند پیمبر خویش را صلی الله علیه وسلم

بکرامت و رسالت مفتخر فرمود و از مولد و رشد و بعثت و هجرت و جنگها و سفرهای جنگی وی تا هنگام وفات و ظهور خلافت و انتظام ملک بروز کاران و مقتل طالبیان تا هنگام تألیف کتاب که بدوران خلافت المتقی بالله امیر مؤمنان یعنی بسال سیصد و سی و دو بود سخن گفتیم.

آنگاه کتاب اوسط را درباره حوادث سلف به ترتیب تاریخ از آغاز تا ختم کتاب اعظم و دنباله آن که خاص کتاب اوسط است بقلم آوردیم.

آنگاه بنظر آمد که در کتابی کوچکتر مطالب مفصل را مختصر و موضوعات نیمه مفصل را کوتاهتر کنیم و شمه‌ای از مندرجات کتاب اعظم و اوسط را با مطالب بیشتر از اقسام علوم و اخبار ملل گذشته و دورانیهای سلف در آن بیاوریم. اگر در این باب تقصیری رفته یا غفلی شده پوزش می‌خواهیم که خاطر ما بسفر و بادیه پیمایی، بدریا و خشکی مشغول بود که بدایع ملل را بمشاهده و اختصاصات اقالیم را بمعاینه توانیم دانست چنانکه دیارسند و زنگ و صنف و چین و زابج را در نور دیدیم و شرق و غرب را پیمودیم. گاهی باقصای خراسان و زمانی در قلب ارمنستان و آذربایجان و آران و بیلقان بودیم. روزگاری به عراق و زمانی به شام بودیم که سیر من در آفاق چون سیر خورشید در مراحل اشراق بود چنانکه گفته‌اند:

«باقطار جهان رونهاده بود و چون خورشید گاهی در مشرق اقصی و زمانی در غرب میرفت و پیوسته سفر او را بجایی دور میراند که کاروان بدانجا نتوانست رسید.»
 مؤلف گوید: و هم باشاهان مختلف که اخلاق متفاوت و مقاصد گوناگون داشتند و دیارشان دور از هم بود گفتگو داشتیم و با آنها همسخن شدیم که آثار علم برفته و نور آن خاموشی گرفته، رنج آن فراوان شده و اهل فهم کمتر شده‌اند که همه متظاهران نادانند یا مشتغلان ناقص که به پندار قناعت کرده و از یقین دور مانده‌اند و از آن پیش که بدینگونه علوم اشتغال ورزیم و بدین رشته ادب سرگرم شویم کتابها در اقسام مقالاتها و انواع دیانتها تألیف کردیم چون کتاب «الابانه عن اصول الدیانه» و کتاب

«المقالات فی اصول الدیانات» و کتاب «سر الحیاء» و کتاب «نظم الادله فی اصول الملّه» که مشتمل بر اصول فتوی و قوانین احکام است از قبیل یقینی بودن قیاس و اجتهاد در احکام و اهمیت رأی و استحسان و معرفت ناسخ از منسوخ و کیفیت و حقیقت اجماع و شناخت خاص و عام و اوامر و نواهی و حظر و اباحه و خبرهای مستفیض و واحد که آمده و کردار پیغمبر صلی الله علیه وسلم و توابع این مطالب از قواعد فتوی و بحث در مطالب مخالفان و مسائل مورد نزاع و نکات مورد اتفاق. و هم کتاب «الاستبصار» در امامت و شرح گفتار کسانی که در این زمینه طرفدار نص یا انتخاب بوده اند و دلایل هر گروه از آنها و کتاب «الصفوه فی الامامه» و مطالب آن و دیگر کتابها در اقسام علم ظاهر و باطن و جلی و خفی و متروک و معمول و تذکار در باره آن چیزها که منتظران انتظار میبرند و محدثان مراقب وقوع آن هستند و نوری که گفته اند در جهان میدرخشد و در بایر و معموره بسط مییابد و چیزها که از پی وقوع ملاحم هست که اخبار و مقدمات آن آشکار و روشن است و دیگر کتابها در زمینه سیاست چون سیاست مدن و اقسام شهرها و نمونه طبیعی شهر و تقسیم طبقات مردم و توضیح عناصر و کیفیت ترکیب جهانها و اجسام سماوی و چیزهای محسوس و نامحسوس از کثیف و لطیف و آنچه اهل دیانت در این باب گفته اند.

و چیزی که مرا بتألیف این کتاب در تاریخ و اخبار جهان و حوادث سلف از سرگذشت پیمبران و شاهان و موطن اقوام و ادار کرد پیروی از رفتاری بود که عالمان کرده اند و حکیمان داشته اند تا از جهان یادگاری پسندیده و دانشی منظم و کهن بجا ماند که مؤلفان کتابها در این زمینه موفق یا مقصر، مفصل یا مختصر نویس بوده اند. و دیده ایم که حوادث بمرور زمان فزون میشود و با زمانه وقوع مییابد و تواند بود که حوادث جالب از هوشمند نهان ماند که هر کس بقسمتی از آن توجه دارد و هراقلمی را شکفتیهاست که فقط مردم آن دانند و آنکه د

وطن خویش بجاماند و باطلاعاتی که از اقلیم خود گرفته قناعت کند با کسی که عمر خود را بجهانگردی و سفر گذرانیده و دقایق و نفایس اخبار را از دست اول گرفته برابر نتواند بود.

مردم سلف و خلف در تاریخ و حوادث کتابها آورده اند که بعضی بصواب و بعضی دیگر بخطا رفته اند و هر يك بقدر توان خویش کوششی کرده و گوهر نهای هوش و انموده اند؛ چون وهب بن منبه و ابومخنف لوط بن یحیی عامری و محمد بن اسحاق و واقدی و ابن کلبی و ابوعبیده معمر بن مثنی و ابوالعباس همدانی و هیشم بن عدی طائی و شرقی بن قطامی و حماد راویه و اصمعی و سهل بن هارون و عبدالله بن مقفع و یزیدی و محمد بن عبدالله عتبی اموی و ابوزید سعید بن اوس انصاری و نضر بن شمیل و عبدالله بن عایشه و ابوعبید قاسم بن سلام و علی بن محمد مدائنی و دماذ بن رفیع بن سلمه و محمد بن سلام جمحی و ابوعثمان عمرو بن بحر جاحظ و ابوزید عمر بن شبه نمیری و زرقی انصاری و ابوسائب مخزومی و علی بن محمد بن سلیمان نوفلی و زبیر بن بکار و انجیلی و ریاشی و ابن عابد و عماره بن وسیمه مصری و عیسی بن لهیعه مصری و عبدالرحمن بن عبدالله بن عبدالحکم مصری و ابوحسان زیادی و محمد بن موسی خوارزمی و ابوجعفر محمد بن ابوالسری و محمد بن هیشم بن شبابه خراسانی مؤلف کتاب الدوله و اسحاق بن ابراهیم موصلی مؤلف کتاب الاغانی و کتابهای دیگر و جلیل بن هیشم هرتمی مؤلف کتاب الحیل و المکاید فی الحروب و کتابهای دیگر و محمد بن یزید مبرد ازدی و محمد بن سلیمان منقری جوهری و محمد بن زکریای غلابی مصری مؤلف کتاب موسوم به الاجواد و کتابهای دیگر و ابن ابی الدنيا ادب آموز المکتفی بالله و احمد بن محمد خزاعی معروف به خاقانی انطاکی و عبدالله بن محمد بن محفوظ بلوی انصاری همدم ابویزید عماره بن زید مدینی و احمد بن محمد بن خالد برقی کاتب، مؤلف التبیان و احمد بن ابوطاهر مؤلف کتاب موسوم به اخبار بغداد و کتابهای دیگر و ابن و شاء و علی بن مجاهد مؤلف کتاب موسوم

به اخبار الامویین و کتابهای دیگر و محمد بن صالح بن نطاح مؤلف کتاب الدوله العباسیه و کتابهای دیگر و یوسف بن ابراهیم مؤلف اخبار ابراهیم بن مهدی و کتابهای دیگر و محمد بن حارث ثعلبی مؤلف کتاب موسوم به اخبار الملوك که برای فتح بن خاقان تألیف کرده و کتابهای دیگر و ابوسعید سکری مؤلف کتاب ایات العرب و عبیدالله عبدالله بن خردادبه که در کار تألیف و ملاحظت تصنیف برجسته و چیره دست بود که مؤلفان معتبر پیرو او شدند و اقتباس از او کردند و براه وی رفتند و اگر خواهی صحت این گفتار بدان کتاب الکبیر فی التاریخ اورا بنگر که از همه کتابها جامعتر و منظمتر و پرمایه تر است و از اخبار اقوام و سرگذشت ملوك عجم و دیگران بیشتر دارد از جمله کتابهای گرانقدری المسالك و الممالك است و کتابهای دیگر که اگر بجویی توانی یافت و اگر بینی سپاس او خواهی داشت و هم از کتابهای گرانقدر کتاب التاریخ من المولدالی الوفاة و من کان بعد النبی صلی الله علیه وسلم من الخلفا و الملوك الی خلافة المعتضد بالله و ما کان من الاهدات و الکوائن فی ایامهم و اخبارهم تألیف محمد بن علی حسینی علوی دینوری است و کتاب التاریخ احمد بن یحیی بلاذری و هم کتاب وی درباره فتوح بلاد که بصلح یا جنگ بود از هجرت پیمبر صلی الله علیه وسلم و شهرها که در ایام وی و پس از او بدست خلیفگان گشوده شد و حوادث مربوط بآن و وصف شهرها که در شرق و غرب و شمال و جنوب بود که درباره فتوح البلدان کتابی بهتر از آن ندیده ایم و کتاب التاریخ الجامع لکثیر من اخبار الفرس و غیرها من الامم تألیف داود بن جراح که جد علی بن عیسی وزیر بود و کتاب التاریخ الجامع لفنون من الاخبار و الکوائن فی الاهدات عصر قبل الاسلام و بعده تألیف ابو عبدالله محمد بن حسین بن سوار معروف به ابن اخت عیسی بن فرخان شاه که در نقل حوادث تا سال سیصد و بیستم رسیده است و تاریخ علی بن عیسی بن منجم فیما انباعت به التوراة و غیر ذلك من اخبار الانبیا و الملوك و کتاب التاریخ و کتاب اخبار الامویین و مناقبهم و ذکر فضائلهم و ما اتوا به عن غیرهم و ما

احد ثوه من السير في ايامهم تأليف ابو عبد الرحمن خالد بن هشام اموي و كتاب تاريخ قاضي ابوبشر دولابي و الكتاب الشريف في التاريخ وغيره من الاخبار تأليف قاضي ابوبكر محمد بن خلف بن وكيع و كتاب السير و الاخبار محمد بن خالد هاشمي و كتاب التاريخ و السير ابو اسحاق بن سليمان هاشمي و كتاب سير الخلفاء ابوبكر محمد ابن زكريا رازي مؤلف كتاب المنصوري في الطب و كتابهاى ديگر .

ابو عبدالله مسلم بن قتيبه دينوري نيز كتابها و تأليفات بسيار دارد چون كتاب موسوم به المعارف و كتابهاى ديگر . تاريخ ابو جعفر محمد بن جرير طبرى از همه كتابها و تأليفات ديگر سراسر است كه اقسام حوادث و سرگذشتهاى گوناگون را فراهم آورده و از علوم مختلف سخن دارد و كتابى بسيار سودمند و نافع است و چرا نباشد كه مؤلف آن فقيه عصر و زاهد دهر بود كه فقيهان بلاد و دانايان سنت و اخبار، علم از او گرفتند . و نيز كتاب تاريخ ابو عبدالله ابراهيم بن محمد بن عرفه واسطى ملقب به نبطويه كه از نكات كتب خواص و دقائق بزرگان سرشار است .

وى در كار تأليف و تصنيف از همه مردم روزگار خویش نكوتر و روشن تر و خوش سليقه تر بود . محمد بن يحيى صولى در تأليف خود موسوم به كتاب الاوراق فى اخبار الخلفاء من بنى العباس و بنى اميه و شعرائهم و وزراءئهم بهمين روش رفته و نكتهها آورده و مطلبها ياد کرده كه ديگران ندانسته اند و خاص اوست كه شخصاً ديده است . وى از علم و معرفت بهره كافي داشت و در تأليف و تصنيف چيره دست بود و هم كتاب الوزراء و اخبارهم تأليف ابو الحسن على بن حسن معروف به ابن ماشطه كه حوادث را تا آخر دوران الراضى بالله رسائده است و هم ابو الفرج قدامة بن جعفر كاتب در تأليف و تصنيف خوش سليقه بود ، كلمات را مختصر و معانى را بذهن نزديك ميكرد و اگر خواهى اين نكته بدانى كتاب تاريخ وى را كه بنام زهر الريع معروفست و هم كتاب الخراج او را بنكر تا حقيقت گفتار و درستي توصيف مارا عيان بينى . و هم كتاب ابو القاسم جعفر بن محمد بن حمدان موصلى فقيه درباره

تاریخ که بمعارضه کتاب الروضه مبرد برخاسته و آنرا الباهر نام کرده است و کتاب ابراهیم بن ماهویه فارسی که با الکامل مبرد معارضه کرده و کتاب ابراهیم بن موسی واسطی کاتب، در اخبار وزراء که بمعارضه کتاب محمد بن داود بن جراح درباره وزراء آورده است و کتاب علی بن فتح کاتب معروف به المطوق که در سرگذشت تنی چند از وزیران مقتدر بالله تألیف کرده است و کتاب زهرة العیون و جلاء القلوب تألیف مصری و کتاب التاریخ تألیف عبدالرحمن بن عبدالرزاق معروف به جوزجانی سعدی و کتاب التاریخ و اخبار الموصل تألیف ابو ذکره موصلی و کتاب التاریخ فی اخبار العباسیین و غیرهم تألیف احمد بن یعقوب مصری و کتاب التاریخ فی اخبار الخلفاء من بنی العباس و غیرهم تألیف عبدالله بن حسین سعد کاتب و کتاب محمد بن مزید بن ابوالاظهر بعنوان فی التاریخ و غیره و هم کتاب او که بنام الهرج والاحداث شهره است. و سنان بن ثابت بن قره حرانی را بدیدم که از حدود فن خویش برون شده و روشی خارج از طریقت خود گرفته و کتابی بعنوان رساله ای بیعضی یاران خویش تألیف کرده و در آغاز، سخنانی درباره صفات و اقسام نفس که ناطق و غضبی و شهوانی است آورده و شمه ای از سیاست مدن از کتاب سیاست مدنی افلاطون که دو مقاله است اقتباس کرده و نکاتی درباره وظایف ملوک و وزراء گفته پس از آن از حوادثی که مدعی است شاهد آن بوده ولی نبوده و از اخبار المعتضد بالله و مصاحبت و روزگاری که با وی داشته سخن آورده آن گاه بخلاف رسم اخبار و تواریخ و برون از شیوه اهل تألیف بدوران خلیفگان دیگر واپس رفته، گرچه سخن نیک آورده و از خط معنی برون نشده اما عیب آنجاست که از فن خویش برون رفته و خارج از رشته خاص خود بتکلف پرداخته. اگر بعلوم تخصصی خود یعنی علم اقلیدس و مقطعات و مجسطی و مدورات و نظرات سقراط و افلاطون و ارسطو پرداخته و از موجودات فلکی و آثار علوی و اختلاطات طبیعی و نسبتها و ترکیبها و نتایج و مقدمات و صنایع ترکیبی و معرفت پدیده ها از الهیات و جواهر و اوضاع و مساحت اشکال،

دیگر فنون فلسفه سخن کرده بود از تکلف مصون میماند که کالایی مناسب رشته خود آورده بود. ولی کمتر کسی اندازه گلیم خود داد و عیب خویش شناسد. عبدالله ابن مقفع گفته هر کس کتابی تألیف کند بمعرض دید کسان باشد، اگر نکو کرده تمجیدش کنند و اگر بد آورده عیبش گویند.

ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی گوید: در اینجا فقط کتابهای خبر و تاریخ و سرگذشت و حوادث را که مؤلفان و مصنفان مشهور و معروفند یاد کردیم و از تواریخ اهل حدیث که از معرفت رجال دوران و طبقات محدثان سخن دارد چیزی نگفتیم که اینگونه کتابها بیشتر از آنست که در این کتاب یاد توانیم کرد ولی نام محدثان و ناقلان سیرت و احادیث و طبقات اهل علم را از دوران صحابه و دوران بعد که تابعان بوده اند با اقسام گوناگون مردم هر دوران که عقاید مختلف داشته اند از فقیهان بلاد دیگر اهل آراء و فرقه ها و مذهبها تا بسال سیصد و سی و دو در کتاب اخبار الزمان و کتاب اوسط آورده ایم.

و این کتاب را که از نخبه مؤلفات سابق ما مندرجات گرانقدر و مطالب معتبر دارد مروج الذهب و معادن الجواهر نامیدم و آنرا هدیه بزرگان ملوک و اهل درایت کردم که از اخبار روز گاران سلف نکاتی ضمن آن آورده ام که مورد حاجت است و نفوس بدانستن آن راغب است و هم آنرا نمونه ای از مطالب کتابهای سلف خود کرده ام که معرفت آن زینت افزای ادیب خردمند است و از تغافل آن معذور نیست و در این کتاب همه علوم و همه فنون تاریخ و رشته های حوادث را بتفصیل آورده یا باجمال گفته یا بصورتی اشاره کرده یا به تلویح در عبارتی گنجانیده ایم.

و هر که چیزی از معانی آنرا تحریف کند یا قسمتی از آنرا تغییر دهد یا نکته ای از آنرا محو کند یا چیزی از توضیحات آنرا مشتبه یاد گر کون یا واژگون یا تباه یا مختصر کند یا بدیگری نسبت دهد یا بیفزاید از هر ملت و فرقه باشد غضب و انتقام و بلایای سخت خدا چنان بر او فرود آید که صبرش ناچیز و فکرش

حیران شود و خدایش انگشت نمای جهانیان و عبرت بینندگان و ضرب المثل اهل نظر کند و عطای خویش را از او بگیرد و خالق آسمانها و زمین که همه چیز تواناست فرصتش ندهد که از قوت و نعمتی که بدو داده بهره مند شود .

این تهدید را در آغاز و انجام کتاب خویش نهادم که مانع مردم هوسناک و شقاوت شعار شود که خدا را بیاد آرند و از سر انجام خویش بیم کنند که عمر کوتاه است و راه دراز نیست و همه به پیشگاه حساب خدا میروند .

اکنون بفهرست ابواب کتاب و مطالبی که در هر باب آمده میپردازیم و توفیق از جانب خداست .